

ویژه‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

شماره شصت و هفت سال ۱۴۰۳



انقلاب دوم

شش‌نامہ

مدیر مسئول

فاطمہ جزینی

سر دبیر

صبا حسن زادہ

گروہ تحریریہ

صبا حسن زادہ، فاطمہ اسحاقی، زہرا ایرجی، عاطفہ صالحی، سما محمدی،
محمد جواد تقوایی راد، احسان فراہانی، متین توکلی

صاحب امتیاز

بسیج دانشجویی دانشگاه اصفهان

طراح و صفحہ آرا

محمد جواد تقوایی راد

۴

آیینہ عبرت

۸

خودکشیشی ایالات متحدہ در کلیسای جهانی

۱۲

انقلاب دوم

۱۵

حقیقت پیروز است

۱۷

زنبورک آنها یا پندافند ما؟

۱۹

از معجزہ تا فاجعہ

۲۳

بررسی ابعاد واقعہ ۱۳ آبان

۲۷

چرا لانہ جاسوسی تسخیر شد؟

دکترین جیمز مونرو

محمد جواد تقوایی‌راد



جیمز مونرو پنجمین رئیس جمهور آمریکا در حالی خود در حال نوشتن دکترین مونرو (اصل ضد استعماری بر علیه اروپا) بود، که ارتش آمریکا در **نیکاگوروئه** حضور داشت.

ایالات متحده دائماً با حضور استعماری خود در خارج از مرزهای خود باعث صدمه های فراوانی از جمله آزادی سیاسی فرهنگی و اقتصادی به آن کشورها شده است.

اما دستگاه سیاسی و رسانه ها همیشه حضور آمریکا را با کلماتی مثل دموکراسی و ضد تروریسم **سفید شویی** می‌کنند.

بسیج
دانشجویی
دانشگاه
اصفهان
رقیب



آینه عبرت

مبحث بعدی آمریکا و مشروطه‌ی ایران است؛ تا آن زمان سفارت که فعالیت سیاسی اقتصادی خاصی نداشت همچنان در این واقعه هم سیاست بی طرفی خود را اعلام کرد، آنان حتی حکومت مشروطه را برای مردم فقیر و بی سواد ایران بد می‌دانستند و با به توپ بسته شدن مجلس؛ دخالت عوام را موجب ضعف حکومت و موجب دخالت بیشتر خارجی‌ها می‌دانستند....

دخالت کشورها در امور یکدیگر سابقه‌ای طولانی دارد و به خصوص اکنون که مرزها اهمیت کمتری یافته است؛ به نظر می‌رسد بیشتر هم از این موارد ببینیم.

دخالت در امور کشورها همراه با موج‌های استعمار از حالت نظامی و سیاسی به اقتصادی و فرهنگی می‌رسد و به جز این، مسئله جاسوسی و دخالت در امور سایر کشورها دوست و دشمن نمی‌شناسد کما اینکه در زمان اوباما، آمریکایی‌ها از تلفن خانم مرکل صدراعظم آلمان هم شنود داشتند....

با توجه به حوادث ۱۳ آبان بد نیست که زمینه‌های ارتباطی ایران و آمریکا و دخالت‌های آنان در ایران را بررسی کنیم.

قاره‌ی آمریکا در سال ۱۴۹۲، یعنی ۱۰ سال از قبل تشکیل صفویه کشف شد و ایالات متحده در سال ۱۷۷۶ اعلام استقلال نمود. تا آن موقع ما اطلاعات خاصی از آمریکا نداشتیم و

عمده اطلاعات کتبی مثل: تحفه العالم، سفرنامه میرزا محمد صالح کازرونی و حتی گزارشاتی از جیمز موریه راجب گفتگوی او با فتحعلی شاه راجب شرایط و مشخصات آمریکا داریم.

کتاب دیگری به اسم کشف الغرایب هست که در کل همه‌ی اینها اطلاعات ناقصی را ارائه می‌دهند.

جالب است بدانید اولین ایرانی که به آمریکا رفت میرزا ابوالحسن خان شیرازی بود که در سال ۱۸۰۹ میلادی این سفر را انجام داد.

شروع روابط سیاسی بین دو کشور را باید مدیون امیر کبیر باشیم، در زمان جولان انگلیسی‌ها و روس‌ها در ایران وی بر آن شد تا موازنه‌ای مثبت ایجاد کند تا کمی از قدرت این دو کشور بکاهد.... البته حضور مبلغان مذهبی آمریکا در ایران هم زمینه‌ی روابط را فراهم ساخت که ناشی از سیاست کلیسای آمریکا در قرن ۱۹ بود.

آمریکا در آن زمان کشوری جوان و نیرومند بود که

امیرکبیر آن را کشوری آینده دار در جهان می‌دید کما اینکه نیروی دریایی قوی هم داشت.

در سال ۱۲۶۶ ش، ایشان از طریق میرزا محمدخان مصلحت دار (کاردار) ایران در استانبول برنامه‌ای خواست که با وزیرمختار آمریکا در آن شهر برای برقراری روابط گفتگو کند که اینکار مورد تایید آمریکا هم قرار گرفت. هدف آنان رقابت تجاری با انگلستان در دنیا بود.

این مذاکرات ۱ سال و سه ماه به طول انجامید و سرانجام پیمان دوستی و کشتیرانی بین دو کشور امضا شد که در آن امیرکبیر امتیازات خوبی مثل تاسیس کنسولگری در بوشهر و باز کردن پای آنان به خلیج فارس را داد.

این توافق نامه با مخالفت انگلیسی‌ها مواجه شد و با عزل امیرکبیر عطایش به لقایش بخشیده شد.

چند مدت بعد با پیش آمدن بحث با انگلیس در باب افغانستان و همسر میرزا هاشم خان؛ بلند

اندیشی امیر کبیر روشن شد و از اینجا سلسله‌ای قاجار به این نتیجه رسید که با آمریکا باید ارتباط برقرار شود.

ابتدا ایران دوباره از طریق استانبول توسط میرزا محمد خان با وزیر مختار آمریکا در آنجا گفتگو کرد و عهدنامه‌ای ۸ بندی که ۷ بند آن به حمایت نظامی از ایران اختصاص داشت و بند هشتم آن هم که حفظ بنادر ایران از دست انگلیسی‌ها بود را پیش کشید و همزمان از طریق اقدامات دیگر در وین توسط جان داودخان مترجم اول دولت ایران با وزیر مختار آمریکا در آن کشور انجام شد و بعد از آن ایران تلاش کرد تا با رایزنی‌های دیپلماتیک با روس‌ها گفتگو کردند تا موافقت آنان را جلب کنند که جلب شد.

مذاکرات رسمی در سال ۱۲۷۱ شروع شد که این مذاکرات هم بخاطر اختلاف بر سر ۳ بند عملی نشد، در سال ۱۸۵۶ میلادی هم بحث برقراری روابط دوباره در دستور کار قرار گرفت و هنوز هم آن ۳ بند مخالفت آمریکا را دربر داشت که اینبار میرزا ملکم

خان برای مذاکرات صلح با انگلستان به پاریس رفته بود، در استامبول با وزیر مختار آمریکا گفتگویی کرد و در آنجا دلیل عدم برقراری ارتباط بین ۲ کشور را سیاسی و تجاری آن‌هم بخاطر نفوذ خارجی خواند.

در آن زمان انگلیسی‌ها شایعه‌هایی مبنی بر ضرر ارتباط با آمریکا راه انداختند و حتی روسیه هم به دلیل برخورد با متفقین تغییر سیاست داده بود و موافق نبود. این سه بندی که علت عدم برقراری ارتباط بود علنا امریکارا در مقابل انگلیسی‌ها قرار می‌داد که آمریکا در آن زمان سیاست بی طرفی داشت.

ملکم خان پیشنهاد داد به جای این ۳ بند دو بند دیگری اضافه کند تا ارتباط برقرار شود ولی آمریکایی‌ها که هنوز ایران را می‌دیدند که وارد مذاکرات صلح با انگلیس نشده است همچنان با این پیشنهاد مخالفت می‌کرد؛ ایران در آن زمان مصمم به توافق با آمریکا بود و وام گرفتن از آمریکا را در سر خود داشت به همین دلیل پس از مذاکرات طولانی در سال ۱۸۵۷ قرارداد دوستی و کشتیرانی امضا شد.

مبحث بعدی آمریکا و مشروطه‌ی ایران است؛ تا آن زمان سفارت که فعالیت سیاسی اقتصادی خاصی نداشت همچنان در این واقعه هم سیاست بی طرفی خود را اعلام کرد، آنان حتی حکومت مشروطه را برای مردم فقیر و بی سواد ایران بد می‌دانستند و با به توپ بسته شدن مجلس؛ دخالت عوام را موجب ضعف حکومت و موجب دخالت بیشتر خارجی‌ها می‌دانستند...

نکته‌ی قابل توجه بعدی دعوت از شوشتر توسط ایران برای اصلاح مالی و گمرک بود، ایران به او اختیارات کامل داد و او در مدتی که در ایران بود اصلاحاتی انجام که چون با منافع روسیه و انگلیس در تضاد بود سرانجام با اعتراض آنان آمریکا شوشتر را فراخواند.

بعد از اخراج شوشتر، آمریکا بازهم کار خاصی را در ایران انجام نداد و مجلسی نبود و نفوذ روسیه و انگلیس در ایران بیش از حد شده بود....

در ماجرای صلح ورسای هم ایران چون این را مجالی برای تنفس خود می‌دید

به امید آمریکا شرکت کرد زیرا بند هوایی که رئیس جمهور آمریکا در این معاهده گنجانده بود به نفع ایران بود.

مورد مهم بعدی؛ قرارداد ۱۹۱۹ بود که در این ماجرا کم کم خوی استعماری آمریکا خود را نشان میداد؛ رپسیه درگیر انقلاب کمونیستی خود بود و انگلیس علناً ایران را تبدیل به یک وابسته‌ی سیاسی و اقتصادی می‌کرد که آمریکا اینجا به انگلستان اعتراض کرد که البته بعداً مشخص شد که اعتراض آنان به مباحث اقتصادی بوده و نه مسائل سیاسی.

بعد از قرارداد ۱۹۱۹، نفت تبدیل به مبحث مهمی می‌شود که از تشکیل کنسرسیوم‌های خارجی تا ورود چند شرکت آمریکایی مثل سینکлер برای امتیاز نفت شمال از محورهای مهم روابط ایران و آمریکا بود...

در دوران پهلوی اول ابتدا روابط قطع شد سپس اخراج شرکت نفتی امیرانیون پیش آمد و کم و کم رضا شاه به آمریکایی‌ها توجه میکرد و این تا زمانی ادامه یافت که آمریکا با اشغال ایران توسط روس‌ها و انگلیسی‌ها هم موافقت کرد.

برای جانشینی رضاشاه آمریکایی‌ها علناً دخالت‌هایشان را در امور ایران آغاز کردند که محمدرضا با وساطت انگلیسی‌ها روی کار آمدند و در سال ۱۳۳۲ که کودتای آمریکایی برای سرنگونی مصدق به نفع محمدرضا پهلوی انجام دادند.

محمدرضا بعد از این اتفاقات به آمریکا بیشتر از انگلیس توجه میکرد و ورود اقتصادی و سیاسی آمریکا به ایران در این دوره شدت بیشتری گرفت از قرارداد‌هایی که بسته میشد تا دخالت در مسائل سیاسی ایران.

این اتفاقات دوران پهلوی دوم دقیقاً بعد از جنگ جهانی دوم بود که آمریکا یک‌ه‌تازی غرب شده بود و در صدد سیطره‌ی سیاسی بر کشورهای جهان بود.

بعد از انقلاب اسلامی ایران هم آمریکا همیشه سعی در دخالت در امور ایران داشت از کودتای نوژه تا اتفاقات صحرای طبس و قرارداد الجزایری که به ایران ناز زد تا پشتیبانی از صدام و الان تحریم‌های گوناگون و مختلف...

می‌توان نتیجه گرفت که رفتار آمریکا با توجه به موقعیتی که در نظام بین‌الملل داشت تغییر کرد و به نظر می‌رسد که این دشمنی با ما همچنان ادامه خواهد داشت...



خودکشی ایالات متحده در کلیسای جهانی

کم کم میزبانان مهربان این قاره سر افتادند که این مهمانان نه تنها حرمت صاحبخانه را نگه نمی دارند که درصدد برآمده اند تا آن ها را از خانه بیرون برانند و پسر خوانده هایشان را به جایشان بنشانند اما این زمانی بود که دیگر دیر شده بود....

همه چیز از روزی شروع شد که کریستف کلمب در حال چک کردن اینستاگرام خود بود که به یک ریلز طنز برخورد و خنده اش گرفت، آمد بزند روی شانه ی بغل دستی اش و بگوید "عجب چیزی ساخته اند بندگان خدا" که اشتباها با اهرم فوق پیشرفته تغییر جهت بادبان برخورد کرد و بادبان ها جا به جا به جای شرق به غرب کشیده شدند؛ کشتی به سواحل آمریکا رسید و دریاسالار اقیانوس، دنیای جدید را کشف کرد.



کلمب به دنبال دستیابی به هند از طریق کشف راهی جدید بود، راهی که که طریق حرکت مستقیم از اروپا به سوی غرب و عبور از دریای محیط (اقیانوس اطلس) به هند در آسیا برسد.

از نظر کسانی که به مسطح بودن زمین اعتقاد داشتند، نقشه کلمب بی فایده بود؛

به این جهت او ناچار شد برای حمایت از برنامه های خود، به دنبال افراد بانفوذ در بین قدرتمندان بگردد. کلمب در سال ۱۴۸۴ میلادی، به طور جدی از فردیناند و ایزابلا درخواست حمایت مالی کرد؛ اما حدود هشت سال بعد، در سال ۱۴۹۲ موفق به کسب حمایت سلطنتی آنها شد. اشتیاق مبلغان مسیحی و ضداسلامی، قدرت کاستیل و آراگون، شهوت به طلا، میل به ماجراجویی، امید به فتوحات و نیاز اروپا برای عرضه مطمئن گیاهان و ادویه ها برای پخت و پز و دارو با هم ترکیب شدند و انگیزه اولین سفر کلمب را رقم زدند، از طرفی شرایط به گونه ای بود که امپراتوری عثمانی و دیگر دولت های اسلامی منطقه، با سرعتی قوی رو به رشد بودند و این شرایط، سبب تهدید پادشاهی های

مسیحی می شد؛ هم زمان قدرت های اسلامی راه های زمینی به شرق را بسته بودند و این شرایط، راه دریایی به سمت جنوب، از طریق دریای سرخ را سخت می کرد و همین عوامل بود موجب شد کریستف کلمب برای یافتن راه جدید دریایی هندوستان دل به اقیانوس بزند.

اما آن سوی ساحل پسر بچه کوچکی که تا دقایقی پیش با گوش ماهی های ساحل بازی می کرد سیاهی کشتی هایی را از دور دید که به سمتشان می آمد، چوبش را به موج جدید اقیانوس سپرد و با خوشحالی بدون توجه به ماسه هایی که به پایش چسبیده بودند به سمت قبیله دوید تا ورود تازه وارد ها را خبر دهد. یکی از سربازان همراه کاپیتان «جان اندیکوت» بعد ها در توصیف حمله خود بر قوم پیکو چنین می گوید: «**هنگامی که سرخ پوستان پیکو احساس کردند به آنان نزدیک می شویم به استقبال ما شتافتند و فریاد خوش آمدید انگلیسی ها سردادند اما آنها از طرح شومی که برای آنان پنهان کرده بودیم آگاهی نداشتند.**»

وانگهی پسر بچه و قبیله
اش در بدو ورود آنان به
استقبال آن ها رفتند،



و شیوه کاشت ذرت و کدو و
انواع حبوبات و صید ماهی
و شخم زدن زمین را به آنان
می آموخت همچنین آنان
را به چگونه حمام رفتن و
خود را از کثافت و پلیدی و
بوی زننده تعفن شستشو
دادن راهنمایی می کرد.
این در زمانی است ملکه
ایزابیل به اطرافیان خود
فخر فروشی می کرد که
در عمر خود دوبار بدنش
را شستشو داده است.
یکبار هنگام تولد و بار دیگر
هنگام ازدواج.

به آمریکا فرستاده می
شدند، دسته دوم بدهکاران
مالی بودند که مقرر شده
بود در ازای بدهی شان در
آمریکا کار اجباری انجام
دهند و دسته سوم، یک
گروه دینی بودن با عنوان
Puritans یا پاک دینان؛
آن ها اقلیت پروتستانی
بودند که برای رها شدن از
قید و بند کلیسای بریتانیا
و دنبال آزادی مذهبی سوار
کشتی شدند و دل به دنیای
ناشناخته و خالی از سکنه
دنیای جدید شدند.

کم کم میزبانان مهربان
این قاره سر افتادند که
این مهمانان نه تنها حرمت
صاحبخانه را نگه نمی دارند
که درصدد برآمده اند تا آن
ها را از خانه بیرون برانند و
پسر خوانده هایشان را به
جایشان بنشانند اما این
زمانی بود که دیگر دیر
شده بود...

در نهایت میزبان کشی
اروپایی ها شدت گرفت و
این بار در اراضی خالی و
سوخته قاره جدید نیاز به
حضور ساکنان دیگری بود،
اما این ساکنان جدید که
بودند؟

یک گروه زندانی ها و
مجرمانی بودند که باید
دوره مجازات قانونیشان
را برای دولت به بیگاری
می گذراندند و توسط دولت

پیوریتان ها در آغاز
شکل گیری، از پوشش های
زهد و اخلاق استفاده
می کردند. آنان معتقد
بودند باید به خوشی های
زودگذر جهان کنونی
بی اعتنا بود، اما به تدریج
چهره از عقاید اقلیت
پرستانه خود برداشتند تا
جایی که امروزه بسیاری از
آمریکایی ها، حتی کسانی
که دیگر به خدا اعتقاد
ندارند، خود را یک ملت
برگزیده می بینند، همان
چهره ای که دونالد ترامپ
رئیس جمهور سابق آمریکا
سعی کرد با پررنگ کردن
آن در ذهن ساکنان آمریکا
اکثریت آراء را به خودش
اختصاص دهد. پیوریتان ها
در الاهیات، کالونیستی
بودند.

آنها را به خانه های خود
دعوت کردند و با پذیرایی از
آن ها در محل سکونتشان
جایشان دادند، اما
مهمانان بی نزاکت یک
سرخ پوست جوان را که
پدر و مادر خود را از دست
داده بود به بردگی گرفتند
در حالی که نویسندگان
و تاریخ نگاران آمریکایی
اعتراف کرده بودند که این
نوجوان سرخ پوست برای
مهاجران غذا تهیه می کرد

در مذهب کالونی، خدا از ازل با عنایتی خاص، عده‌ای از مردم را برای نجات برگزیده و برای بقیه، لعنت ابدی مقدر فرموده‌است.

پیوریتان‌ها در الاهیات، کالونیستی بودند. در مذهب کالونی، خدا از ازل با عنایتی خاص، عده‌ای از مردم را برای نجات برگزیده و برای بقیه، لعنت ابدی مقدر فرموده‌است. این تفکر تغییر ماهیت داده، در حال حاضر، قدرتمندترین، بانفوذترین و فراگیرترین جریان و تشکیلات مذهبی سیاسی در آمریکاست.

آن‌ها در این عقیده‌ی راسخ متحدند که اسرائیل، استثناء و صهیونیسم، برنامه‌ی خدا برای خاورمیانه است و بایستی از طریق مختلف نظیر مالی، تبلیغات، دعا و اقدامات سیاسی و نظامی از آنان حمایت صورت گیرد. تحقق برخی پیشگویی‌های عهدینی نظیر شکل‌گیری دولت اسرائیل، ساخت معبد سوم اورشلیم و نبرد آرمگدون، مستلزم عدم مصالحه با اسلام و مسلمانان است از این رو هجمه به اسلام به طور جدی در دستور کار آنان قرار دارد.

خودکشیشی یکی از اصطلاحات به ظاهر عرفانی و زاهدانه‌ای است که یکی از رهبران ارشد مسیحیت صهیونیستی آن را برای محاسبه وجدانی عنوان کرده است و مدعی شده است که برای پاک شدن از گناهان نیازی به اعتراف در محضر کشیش دیگری نیست و اعتراف به وجدان خودش پاک کننده است، در این مذهب ارزش وجدان هم تراز با خدا شمرده می‌شود، جالب توجه این است که کم ارزش شمردن سایر مخلوقات غیر از اقلیت برگزیده نزد وجدان پاک دین‌های مسیحی ناپسند شمرده نمی‌شود!

اکنون پس از انقلاب آمریکا، آمریکا توانست گوی سبقت استعمار را از جد اروپایی اش بدزد و در کشور های گوناگون بساط ننگین استعمار خود را بگستراند و روح و جسم بندگان آزاد خداوند را به بردگی بکشاند، اگر به ریشه این دولت جعلی بازگردیم می بینیم که گسترش آن ناشی از بغض سردمداران اروپایی اش از پیشرفت مسلمانان نشأت گرفته و با عقاید انحرافی مسیحیت صهیونیستی به هم آمیخته است.

بدعهدی های مکرر دولت ایالات متحده با کشور های گوناگون، جنگ افروزی ها در جای جای جهان، دخالت در سرنوشت کشور ها و ستاندن هرروزه جان انسان ها تنها گوشه ای از دستاورد های میهمان های ناخوانده ای است که به میزبانان شریف و فداکار خود نیز رحم نکردند. ملتی که تاریخ را نخواند محکوم به شکست است و اکنون چطور امکان دارد که ما و هر کشور آزاده دیگری بتواند بنیان منافع ملی خود را بر پایه های سست عهد های دروغین آمریکا بنا کند و خود را تنها به این ابر قدرت شکست خورده منحصر سازد؟ اکنون زمانی است که آمریکا پس از سال ها جنایت باید در کلیسای جهانی به خودکشیشی پردازد و به تمام آنچه کرده است اعتراف کند. آمریکا باید خود را با دست خودش به مکافات استعمار و رنجی که به مردم جهان تحمیل کرد برساند و این همان وعده حقیقی است.....

● حزب جمهوری اسلامی، ایمن و الحمیت انقلاب داشت که حضور انقلابی خود را علیه دفاع المیزانیزم در هر صحنه ایرانی می‌دارد. ● حوزه علمیه قم این صدای رسانای ملت علیه آمریکاست.

کارکنان سفارت اسناد محرمانه را در آتش سوزاندند

۱۲ صفحه
جمهوری اسلامی

بازگشت به پیشرو
ژنرال جیب به ایران می‌آید

اشغال انقلابی سفارت آمریکا

مطالبات اراضی هوایی اعتبار شد

● اتحادیه ایرانی اسلامی که از دولت مطالبات واریه‌ها و زمین‌های ملی را می‌خواهد، اعلام کرد که اعتبار این مطالبات را در آتش سوزی سفارت آمریکا به رسمیت می‌شناسد.

مصادره جمهوری اسلامی با عنوان کارنامه جمهوری اسلام کاشمیه و زهره و زهره

وزیر گیمهای انقلاب اسلامی ایران

بازگشت به پیشرو
ژنرال جیب به ایران می‌آید

● بهمنی: هواداران باجیان بهیمن از این جانب بسیار داشت و بهیمن از همکاران سفارت آمریکا را تصرف کرد.

● بهمنی: اصلاحات ایران بهیمن از همکاران سفارت آمریکا را تصرف کرد.

● بهمنی: اصلاحات ایران بهیمن از همکاران سفارت آمریکا را تصرف کرد.

جیب‌ها بهیمن از همکاران سفارت آمریکا را تصرف کرد

امام: توطئه‌ها را درهم می‌شکنیم



هیئت اعرای دولت به سر دشت

● هیئت اعرای دولت به سر دشت

مصادره با عنوان کارنامه جمهوری اسلامی کاشمیه و زهره و زهره

● هیئت اعرای دولت به سر دشت

نوا التلم

● هیئت اعرای دولت به سر دشت

انقلاب دوم

آن روز آخرین بار بود که علی با پای خودش رفت. بعد از صدای گلوله که پیچید میان شهر، حالا مادر برای هردو لالایی میخواند و پدر و پسر باهم گوش می‌دهند.

راست می‌گفت آقا روح الله که «دامن مادر بزرگترین مدرسه ایست که بچه در آن تربیت میشود»

فضا تاریک است. سایه ای نفس نفس زنان میان کوچه ها میدود که صدای دویدن مردی با چکمه های سنگین به گوش می رسد؛ سایه خشکش میزند، هنوز هم صدای چکمه می آید و حالا صدای عربده ای مردانه سکوت کوچه را میشکند:

هرچی میکشیم از دست شماست....

سایه جایی نزدیک یک خرابه می ایستد، صدای چکمه حالا ضعیف شده و بین صدای ویراژ موتور ها کمرنگ تر میشود. کنار خرابه مینشیند، چیزی را چال میکند و به سمت انتهای کوچه می دود. صدای تند ترمز موتور میان کوچه می پیچد و نور چراغش چشمان زن را میزند، چادرش را سفت می چسبد و حالا بقیه ی موتور ها هم از راه می رسند. صدای عربده جایش را به قهقهه می دهد....!

فردا صبح اعلامیه ها به دست همه رسیده، امام تبعید بود و نامه اش توی خانه های مردم!

همه چیز آرام ست، فقط بین کوچه ها کودکی دنبال مادرش میگردد...

رایت می گفت آقا روح الله

« این پیروزی را ما از بانوان داریم قبل از اینکه از مردها داشته باشیم! »

نور مهتاب می تابد میان خانه و لبخند قاب عکس روی طاقچه خود نشان می دهد. صدایی محزون و زنانه می خواند:

جوانان بنی هاشم بیااید... علی را بر در خیمه رسانید... .

کودک بین گهواره نا آرام ست و مادر بی خواب.

چند سال بعد علی قد کشیده و تازه پایش رسیده بود که ۱۵ سالگی. از زیر قرآن ردش کرد و بوسه ای به گونه اش زد.

برو مادر هرکاری که از دستت برمیاد برای آقا روح الله انجام بده. خدا به همراهت... .

آن روز آخرین بار بود که علی با پای خودش رفت. بعد از صدای گلوله که پیچید میان شهر، حالا مادر برای هردو لالایی می خواند و پدر و پسر باهم گوش می دهند.

راست می گفت آقا روح الله که « دامن مادر بزرگترین مدرسه ایست که بچه در آن تربیت میشود »

کفش هایش را زیر بغل می زند و پاورچین از خانه بیرون می آید. می دانست که اگر کسی بیدار شود بدجور گیر می دهند که نرو خطر دارد و... .

سرکوچه که می رسد تازه می نشیند و کفش هایش را می پوشد، تازگی خریده بود؛ می خواست راحت باشد تا بهتر بتواند بدود.

خیابان ها یکی پس از دیگری می گذرند و صدای شعارها بالا می گیرند. خودش را به سختی می رساند صف اول، چادرش را سفت می گیرد و قد صاف می کند. نگاهش را به پنجره های سفارت می دوزد و سرش را به خدا می سپارد.

بعد از آن روز ها حالا رهبر یک امت می گوید که « در تسخیر لانه جاسوسی، زنان دوشادوش مردان حضور داشتند و این کاملاً یک حضور واقعی بود... »

بازهم رسیده بود به ۱۳ آبان! انگار تمام خاطرات زنان شهدا ریخته بودند سرش، می دانست باید صبر کرد، قول داده بود بماند پای آرمان امام. حالا خودش اینجا دانشجو بود و همسرش، لبنان میان بمب ها و ترکش ها...

نمی‌توانست آرام باشد، می‌دوید، زمین می‌خورد اما نمی‌خواست
بگذارد کار فلسطین زمین بماند، می‌خواست مدافع حریم ایران باشد.
قرار گذاشته بودند یکی برای سنگر دانشگاه جنگد و دیگری برای سنگر
حزب الله. نگاهی به تقویم انداخت، بیست روز از رفتن امیر می‌گذشت،
حق نداشت عقب بکشد هرچند مدت ها بی‌خبری داشت از پا درش
می‌آورد؛ او زن بود و جریان ساز!

لبخند زد، چادرش را برداشت و راه افتاد به سمت سنگری که داشت.
آری! او زن بود و دانشجو و همسریک مجاهد. باید به اندازه یک تاریخ
۱۴۰۰ ساله روی پا می‌ماند...

بسیج دانشجویی
دانشگاه
اصفهان
رقیب



ایستگاه خیابان روزولت

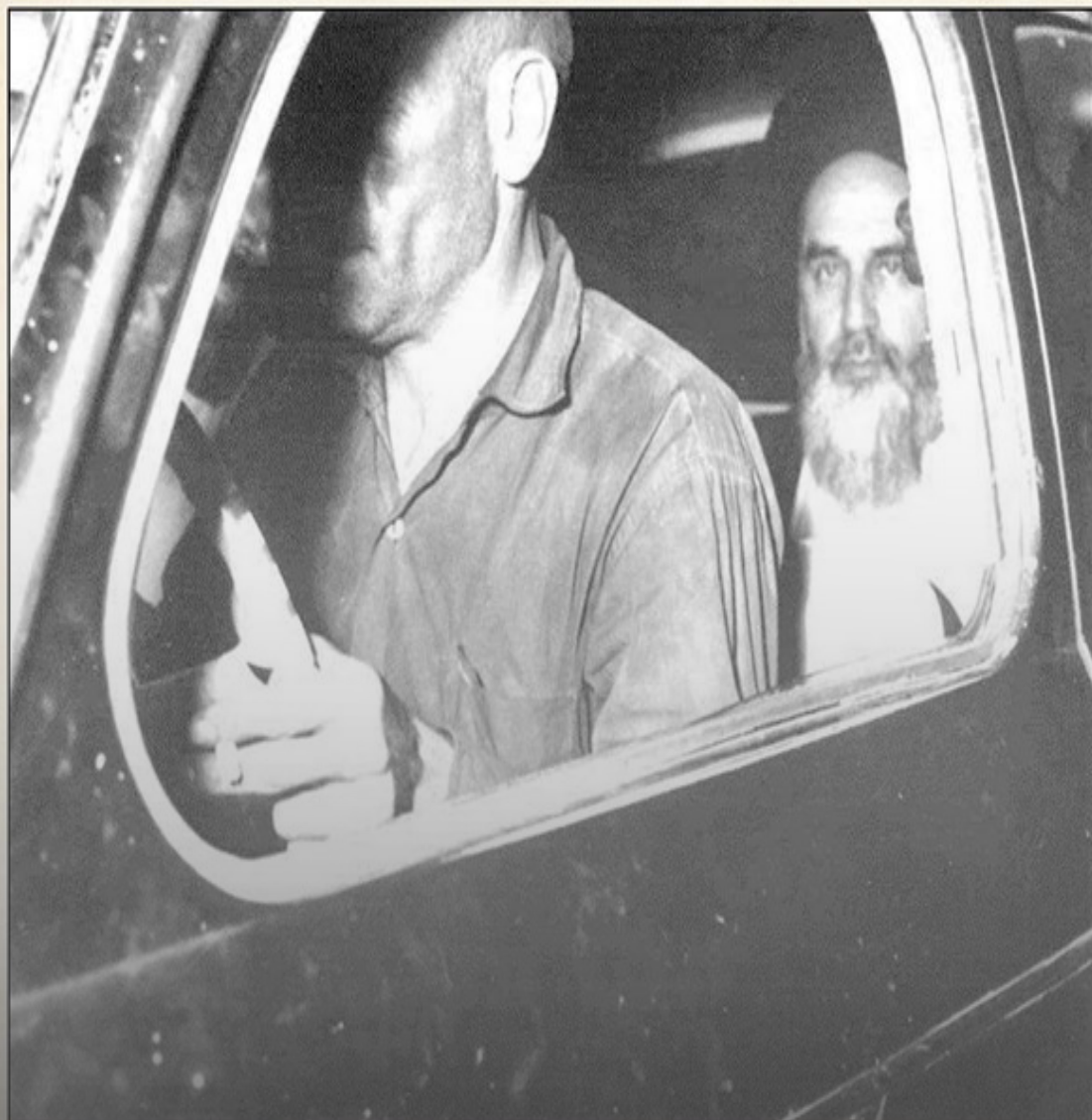
روایتی مستند از تسخیر سفارت آمریکا در تهران

محمد محبوبی



معرفی کتاب...

کتاب ایستگاه خیابان روزولت کتاب تازه منتشر شده ای است که مقام معظم رهبری آن را مورد تعریف و تمجید قرار داده اند. برای فهم و درک بهتر واقعه تسخیر لانه جاسوسی این کتاب ارزشمند را مطالعه کنید.



کاپیتولاسیون و تبعید امام خمینی

بعد از طرح لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید در سال ۱۳۴۱ که به اعتراضات گسترده مردم و روحانیون از جمله امام خمینی رویه رو و حوادث مهم در خرداد ۱۳۴۲ را منجر شد؛ سومین قانونی که مصوبه آن در مجلس شورای ملی و سنا جالش‌های بسیاری را به وجود آورد و باز هم با اعتراضات گسترده روبرو شد. این مصوبه که به «قانون کاپیتولاسیون» معروف است، در آن زمان به عنوان «قانون بی‌اعتمادی» شناخته می‌شد. این قانون به روحانیون و کسانی که در دستگاه‌های دولتی و نظامی خدمت می‌کردند، اجازه می‌داد تا به خارج از کشور مهاجرت کنند و به تبعید بروند. این قانون به عنوان یکی از اقدامات رژیم پهلوی برای تضعیف روحانیت و ایجاد شکاف بین روحانیت و مردم شناخته می‌شد.

امام خمینی در ۱۰ آبان ۱۳۵۸ فرمودند: «بر دانش‌آموزان و دانشگاهیان و محصلین علوم دینی است که با قدرت تمام حملات خود را علیه آمریکا و اسرائیل گسترش داده و آمریکا را وادار به استرداد این شاه مخلوع جنایتکار نمایند.»

[نا] مستشاران نظامی، تمام مستشاران نظامی آمریکا با خانواده هایشان، با کارمندان فنی شان، با کارمندان اداری شان، با خدمه شان، با هر کس که بستگی به آنها دارد، اینها از هر جنایتی که در ایران بکنند مصون هستند! اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشپز آمریکایی، مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کنند، زیر پا منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه‌های ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی کنند، باید برود آمریکا! آنجا در آمریکا ارباب‌ها تکلیف را معین کنند!

همچنین امام خمینی چند روز بعد در سخنرانی دیگری هم اعلام کردند: «اگر مملکت ما اشغال آمریکایی است پس بگویید!... تمام گرفتاری ما از این آمریکاست! تمام گرفتاری ما از این اسرائیل است! اسرائیل هم از آمریکاست... و کلای مجلس سنا خیانت کردند... و کلای مجلس شورا، آنهایی که رأی دادند، خیانت کردند به این مملکت. اینها وکیل نیستند. دنیا بداند اینها وکیل ایران نیستند! اگر هم بودند من عزل شان کردم. از وکالت معزولند.»

سخنان امام خمینی در آبان ۱۳۴۳ علیه کاپیتولاسیون موج اعتراضات به این مصوبه را گسترش داد و در این بین شاه و ساواک با تصور اینکه با محدود کردن آیت‌الله خمینی می‌تواند به فضای ایجاد شده پایان دهد در ۱۳ آبان کاری را کرد که شعله‌های آتش خشم بخشی‌هایی از جامعه را گسترده‌تر کرد.

مأموران ساواک روز ۱۳ آبان به خانه امام خمینی حمله کرده و ایشان را دستگیر و به زندان انتقال دادند. به تهران به تکه تبعید کردند. اتفاقی که در روز ۱۴ آبان به اعتراضات خیابانی در چند شهر از جمله مشهد و تبریز منجر شد و در نهایت حکومت از ترس

دانشجویان پیرو خط امام، مسئله و میدان را به درستی تشخیص می‌دهند، متوجه

توطئه‌های آمریکا در ایران می‌شوند.

امام خمینی در ۱۰ آبان ۱۳۵۸ فرمودند: «بر دانش‌آموزان و دانشگاهیان و محصلین علوم

دینی است که با قدرت تمام حملات خود را علیه آمریکا و اسرائیل گسترش داده و

آمریکا را وادار به استرداد این شاه مخلوع جنایتکار نمایند.»

این مصوبه به عنوان یکی از اقدامات رژیم پهلوی برای تضعیف روحانیت و ایجاد شکاف بین روحانیت و مردم شناخته می‌شد.

امام خمینی در ۱۰ آبان ۱۳۵۸ فرمودند: «بر دانش‌آموزان و دانشگاهیان و محصلین علوم

دینی است که با قدرت تمام حملات خود را علیه آمریکا و اسرائیل گسترش داده و

آمریکا را وادار به استرداد این شاه مخلوع جنایتکار نمایند.»

مبارزه میان حق و باطل از ابتدای خلقت بوده است و تا پایان تاریخ ادامه خواهد داشت.

مبارزه زمانی مقدس می شود که برخاسته از هدفی والا و تکلیفی الهی باشد.

یوم الله ۱۳ آبان مظهر مبارزه و ایستادگی مقابل استکبار و مستکبرین می باشد. شاید مهم ترین شکل مبارزه ، ایستادن در مقابل مستکبر درون است که هرکس بر نفس خویش فائق آمد ، چون کوهی استوار و بدون ترس از مستکبرین عالم، از حلقومش فریاد حلق طلبی جاری می شود و درگوش زمان می پیچد.

آنچه در سیزده آبان ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ رخ می دهد ریشه در مبارزاتی دارد که منجر به تبعید امام خمینی در ۱۳ آبانماه سال ۱۳۴۳ به ترکیه می شود.

از سال ۱۳۴۲ ، هر روز که می گذرد بر شدت مبارزات علنی امام خمینی در برابر رژیم مستکبر افزوده می شود ، هدف و مسیر کاملاً مشخص است و هیچ چیز براراده ی بلند امام خدشه وارد نمی کند.

در مهر ماه ۱۳۴۳ زمزمه ی لایحه ی کاپیتولاسیون در کشور می پیچد و امام در سخنانی معروفی تمام تصویب کنندگان، توشیح کنندگان و اجرا کنندگان این لایحه را خائن می نامند.

در ابتدای آن سخنانی تاریخی در روز ولادت حضرت زهرا سلام الله علیها به قدری از مسائل پیش آمده متاثر هستند که می فرمایند (ایران دیگر عید ندارد، عید ایران را عزا کرده اند)

و سپس به تبیین لایحه ی کاپیتولاسیون و روشنگری می پردازند .

امام تکلیف را شناخته است و با صلاح سخن به میدان می رود و دستاوردش بیداری مردم است.

امام فوراً دستگیر و در تاریخ سیزدهم آبان به ترکیه تبعید می شوند.

رژیم طاغوت می پندارد با تبعید امام و دور کردن امام از مردم سودای ایستادگی در مقابل طاغوت از سر مردمان می افتد، اما دل هایی که بیدار شده اند هیچ گاه به خواب نخواهند رفت.

در سال ۱۳۵۷ ، دانش آموزانی که در سال ۱۳۴۳ نوزادی بودند در آغوش

مادرانشان ، حال با مشت های گره کرده و قلبی گرم از نور ایمان و حنجره ای که از آن نوای حق طلبی است که به گوش می رسد در دانشگاه تهران علیه رژیم پهلوی شعار سر می دهند، بدون ذره ای تردید و دلهره. امام به همه ی آنها هویت و جسارت و مهم تر از همه تکلیف و هدف داده است.

تا ظهر اعتراضات ادامه دارند، رژیم تلاش می کند صدای حق را با گلوله های قساوت خاموش کند، بیش از شصت دانش آموز به خاک و خون کشیده می شوند و جان شیرینشان را فدای هدفی شیرین تر می کنند.

درست است غرش گلوله مهیب است ، اما نوای حق جاری می شود و از دل سرد زمان نیز می گذرد و عده ای دیگر را با خود همراه می کند و تا ۱۳ آبان ۱۳۵۸ ، مقابل لانه ی جاسوسی آمریکا می آورد.

دانشجویان پیرو خط امام ، مسئله و میدان را به درستی تشخیص می دهند، متوجه توطئه های آمریکا در ایران می شوند.

امام خمینی در ۱۰ آبان ۱۳۵۸ فرمودند: «بر دانش آموزان و دانشگاهیان و محصلین علوم دینی است که با

قدرت تمام حملات خود را علیه آمریکا و اسرائیل گسترش داده و آمریکا را وادار به استرداد این شاه مخلوع جنایتکار نمایند.»

فرمان قاطع امام مهرتاییدی می‌شود بر عملیاتی که دانشجویان آن را طراحی کرده بودند و تکلیف برایشان از روز روشن تر می‌گردد.

سیزدهم آبان، ابتدا به یاد شهدای دانش آموز سال ۱۳۵۷ در دانشگاه تهران گرد هم می‌آیند و شعار سر می‌دهند و سپس راهی لانه‌ی سست عنکبوت می‌شوند.

همه‌ی نگاه‌ها اما معطوف به موضع امام (ره) بود تا ایشان چه واکنشی نسبت به این اقدام نشان می‌دهند، حضرت امام (ره) در همان روز نخست به محض اطلاع از این واقعه در واکنشی کوتاه می‌فرمایند «بگویید خوب جایی را گرفتید؛ محکم نگه دارید.» و سپس در یک سخنرانی مفصل با توصیف این حرکت به «انقلاب دوم» مهرتأیید خود را بر آن نشانند.

تکلیف هم‌چنان هست و حق هم‌چنان در جهان مهجور، سیزدهم آبان‌های بسیاری پیش روی ما است.

نوای حق را دل‌های بیدار همیشه می‌شنوند و روح مبارزه هنوز در رگ و خون ما جاریست. تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم.



زنبورک آنها یا پدافند ما؟

اسما محمدی

اسرائیل با بمباران های وحشیانه، در دست گرفتن فضای مجازی و کمک های آمریکا روز به روز به تشویش اذهان عمومی دامن می‌زد.

همه منتظر پاسخ اسرائیل به حملات سهمگین ایران بودند.

سرانجام در بامداد ۵ آبان خبر رسید که عملیات «ایام توبه» به منظور پاسخ به ایران انجام شده.

و این عملیات نه تنها حمله ای ضعیف تلقی شد بلکه قدرت پدافندی و دفاعی ایران را برای اولین بار به جهان نشان داد و با نشان دادن قدرت پدافندی ایران در واقع اسرائیل شکستی دیگر برای خودش رقم زد.

این عملیات حتی برای خود مردم اسرائیل هم طبق آمار، کم ارزش تلقی شده است طبق خبرگزاری مشرق:

وب سایت عبری زبان «اسرائیل هیوم» در نظر سنجی که در کانال رسمی خود قرار دارد، از صهیونیست ها این سوال را مطرح کرد که نظرشان نسبت به حمله شب گذشته چه بود. در این نظرسنجی، کانال اسرائیل هیوم به ترتیب سه گزینه ۱- پاسخ مناسبی بود ۲- پاسخ ضعیفی بود و ۳- نمی دانم را برای پاسخ به این سوال عنوان کرد که در نتیجه، ۷۵ درصد صهیونیست ها گزینه دوم، یعنی پاسخ ضعیفی بود را انتخاب کردند.

همچنین در کانال صهیونیستی «اخبار آنلاین و بدون سانسور»، در نظرسنجی که در کانال خود قرار داد، عنوان کرد که نظر شما درباره پاسخ اسرائیل به حمله ایران چیست؟ گزینه اول، پاسخ سست و ضعیف، گزینه دوم، پاسخ قوی، گزینه سوم، پاسخ سنجیده و گزینه چهارم، پاسخ ناامید کننده. در این نظرسنجی نیز ۴۱ درصد گزینه گزینه اول، یعنی پاسخ سست و ضعیف و ۴۰ درصد گزینه چهارم، یعنی پاسخ نا امید کننده را انتخاب کرده اند که در مجموع نارضایتی ۸۱ درصدی از نوع واکنش ارتش اسرائیل توسط صهیونیست های ساکن اسرائیل را نشان می‌دهد.

این در حالی است که در دوران قبل انقلاب با مراجعه به سایت ویکی پدیا مشاهده می‌کنیم تنها سلاح انفرادی ساخت ایران زنبورک بوده است و تمام سلاح های دیگر، از کشورهای شوروی، آمریکا، آلمان و و فرانسه وارد می‌شده .

درواقع تنها یک تحریم همه جانبه برای به زانو در آوردن ایران و تحت سلطه گرفتن آن کافی بوده است.

اما حالا می‌بینیم نه تنها با پدافند آرمان، مهاجر، خرمشهر و امثالهم از تمامیت ارضی ایران حفاظت می‌شود بلکه همراه با رسوایی ظلم و ظالم جلوی آنها قد علم می‌کنیم و تهدیدشان می‌کنیم.

این است قدرت ایران مستقل



از معجزه تا فاجعه

لطفا دوباره جمله حسن باقری در ابتدای متن را بخوانید. این جمله هوشمندانه از معجزه انقلاب اسلامی به ما می‌گوید که اگر کاری را با فکر و برنامه شروع کنیم و در آن همه تلاش خود را به کار ببریم خدا هم به بهترین شکل ممکن کمکرسان ما خواهد بود، حتی اگر تمام دنیا روبروی ما باشد. اما اگر نه تنها به فکر پیشرفت نباشیم بلکه ضعف‌های خود را هم نادیده بگیریم و فقط چشممان به یاری خدا باشد، درست است که به قدری توانمند است که اجازه ندهد در بزرگترین حادثه‌ها خون از دماغ کسی بیاید اما، «خدا هر احمقی را هدایت نخواهد کرد.»

در جلسه طراحی عملیات «الی بیت المقدس» زمانی که شهید «علی صیاد شیرازی» در حال ارائه آسیب شناسی از عملکرد رده های مختلف در عملیات فتح المبین است، عده ای از فرماندهان وارد بحث او شده و اعتراض میکنند که خیلی روی این مباحث تمرکز لازم نیست و مشکلات را با توکل و توسل حل میکنیم، ناگهان حسن باقری وارد بحث شده و با آرامش کامل جمله ای کلیدی را بیان می کند: "ما به نیروی غیب معتقدیم، ولی خداوند هر احمقی را هدایت نخواهد کرد."



معجزه صحرای طبس

چهارم اردیبهشت سال ۵۹ بود که کماندوهای آمریکایی آموزش دیده در آمریکا که پیش از این در مصر تمرین کرده بودند با استفاده از چند فروند بالگرد و هواپیما از خلیج فارس پرواز کردند و وارد خاک ایران شدند. در این عملیات، چهار فروند هواپیمای نظامی C-۱۳۰ و هشت فروند بالگرد SH-۳D برای آزادی ۵۳ گروگان، از ناو هواپیمابر نیمیتس جدا و از مرزهای هوایی جنوب، وارد فضای پروازی ایران شدند. برنامه آنها به این شکل بود که از جنوب شرقی کشور با تعدادی بالگرد و هواپیمای سوخت رسان همچنین هواپیمای C-۱۳۰ وارد ایران شوند و پس از سوخت گیری در صحرای طبس به سمت تهران حرکت کنند و در ابتدای صبح دست به اقدام بزنند.

به گفته کارشناسان، آمریکایی ها این عملیات را شش ماه در صحرای نوادا در آمریکا که شرایطی مشابه صحرای طبس دارد تمرین کرده بودند تا بتوانند آن را با موفقیت در ایران به پایان برسانند. در یک هواپیمای C-۱۳۰ حدود

۱۳۰ نفر کماندو و تجهیزات انفرادی و در یک هواپیمای C-۱۳۰ دیگر سلاح ها و تجهیزات مدرن و مختلف مانند کپسول های کوچک و بزرگ گازهای خواب آور، موتورسیکلت های تریل کم صدا و جیب های کوچک حمل می شدند و یک فروند KC-۱۳۰ سوخت رسان و یک هواپیما هم رزرو بود. هر بالگرد ظرفیت حمل ۳۵ نفر از کماندوها را داشت.

نکته مهمی که در این عملیات باید به آن اشاره کرد، همکاری برخی عناصر خود فروخته در ارتش بود که طبق آنچه در فیلم طوفان شن هم نشان داده شده؛ با خاموش کردن رادار موجبات پرواز امن برای آمریکایی ها را فراهم می کنند تا یانکی ها به طور پنهان کار وارد کشور شوند. بالگردها و هواپیماها پس از عبور از فراز ایران به صحرای طبس می رسند و در آنجا فرود می آیند، اما به علت ایجاد چند اتفاق بالگردها و هواپیماهای آمریکایی دچار سانحه می شوند و با وقوع طوفان شن سریال ناکامی های آنها در عملیات پنجه عقاب رقم می خورد، این موضوعات موجب می شود تا اقدام نظامی مستقیم علیه ایران نیز کمکی به آمریکایی ها نکند.

اتباع آمریکایی پس از ۴۴۴ روز با دستور امام خمینی (ره) به خانه خود بازگشتند و نشان داد که قدرت ایران اسلامی آنگونه نیست که آمریکایی‌ها بتوانند با استفاده از حربه عملیات نظامی هرکاری می‌خواهند انجام دهند. عملیات پنجه عقاب با تمام تمهیداتی که از قبل برای آن پیش‌بینی شده بود به شکست انجامید. بلافاصله پس از انتشار خبر شکست آمریکا در این عملیات، جیمی کارتر طی نطقی تلویزیونی با اشاره به کلیاتی از روند عملیات تصریح کرد که به دلیل اینکه اقدامات سیاسی و مذاکرات به جایی نرسیده است، همچنان از کوشش برای رهایی گروگان‌ها دست نخواهد کشید.

در خصوص دلایل و چگونگی شکست عملیات، تحلیل‌های مختلفی مطرح شده است. دلایلی که مقامات آمریکایی در گزارش‌های اولیه خود ارائه کرده‌اند بیشتر به ابعاد فنی و حوادث طبیعی و از جمله طوفان شن اشاره دارد، همچنین برخی منابع غیرموثق نیز به نقش شوروی در این خصوص اشاره می‌کنند، این در حالی بود که از نگاه مقامات جمهوری اسلامی به خصوص شخص امام خمینی (ره)، نقش امدادهای الهی در این خصوص بیش از همه مطرح بوده است. امام (ره) در این خصوص اعلام کردند طوفان شن مانند یکی از امدادهای الهی موجب شکست این عملیات شد.

فاجعه معدن طبس

حدود ۴۴ سال از معجزه صحرای طبس و حدود ۴۴ روز از حادثه نشت گاز در معدن معدنجوی طبس می‌گذرد. فاجعه ای که منجر به کشته شدن ۵۲ نفر از عزیزانمان شد. معدن کم‌کم کارش را با بخشی از کارگزارانش شروع کرده است، دولت در حال سپردن خانه به بازماندگان جانباختگان است و مجلس دلایل وقوع حادثه را این چنین می‌گوید:

– عدم رعایت قوانین، استانداردهای ایمنی و قواعد حرفه‌ای

– کمبود تجهیزات حفاظتی، ایمنی و آموزش ناکافی

– استفاده از ماشین‌آلات قدیمی یا نامناسب

– ضعف در عملکرد دستگاه‌های مسئول دارای وظیفه قانونی در امر نظارت بر فعالیت و محیط کار معدن

– خطاهای انسانی ناشی از بی احتیاطی‌ها

لطفا دوباره جمله حسن باقری در ابتدای متن را بخوانید. این جمله هوشمندانه از معجزه انقلاب اسلامی به ما می‌گوید که اگر کاری را با فکر و برنامه شروع کنیم و در آن همه تلاش خود را به کار ببریم خدا هم به بهترین شکل ممکن کمک‌رسان ما خواهد بود، حتی اگر تمام دنیا روبروی ما باشد.

اما اگر نه تنها به فکر پیشرفت نباشیم بلکه ضعف‌های خود را هم نادیده بگیریم و فقط چشممان به یاری خدا باشد، درست است که به قدری توانمند است که اجازه ندهد در بزرگترین حادثه‌ها خون از دماغ کسی بیاید اما، ”خدا هر احمقی را هدایت نخواهد کرد.“

سَن‌ها مأمورِ خمد را بودند...

صحیفه امام خمینی، جلد ۱۲، صفحه ۳۸۰





بررسی ابعاد ۱۳م آبان

۱۳ آبان نه تنها یادآور تاریخ و مقاومت ملت ایران است، بلکه فرصتی برای بازنگری و بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو به‌شمار می‌آید. این روز می‌تواند به تقویت هویت ملی، ارتقاء آگاهی عمومی و ایجاد همبستگی اجتماعی کمک کند. با توجه به تحولات جهانی و نیاز به تعامل سازنده، حفظ و تبیین ارزش‌های این روز می‌تواند به ایجاد آینده‌ای روشن‌تر برای ایران و ایرانیان کمک کند.

۱۳ آبان در تاریخ ایران به عنوان روز ملی مبارزه با استکبار جهانی شناخته می‌شود و یادآور چندین رویداد مهم تاریخی است. این روز به‌ویژه به اشغال سفارت آمریکا در تهران در سال ۱۳۵۸ مرتبط است، که به‌عنوان یک نقطه عطف در تاریخ معاصر ایران و روابط بین‌المللی شناخته می‌شود.

تاریخچه

در ۱۳ آبان ۱۳۵۷، دانش‌آموزان و دانشجویان ایرانی در اعتراض به رژیم پهلوی و سیاست‌های آمریکا به خیابان‌ها آمدند. این تظاهرات به سرکوب خونین معترضان منجر شد و در آن روز، جمعی از دانش‌آموزان کشته شدند. این واقعه نماد مبارزات جوانان ایرانی علیه ظلم و استبداد شد.

اشغال سفارت

در ۱۳ آبان ۱۳۵۸، گروهی از دانشجویان پیرو خط امام به سفارت آمریکا در تهران حمله کردند و دیپلمات‌ها و کارمندان سفارت را به گروگان گرفتند. این اقدام به‌عنوان پاسخی به حمایت آمریکا از رژیم پهلوی و دخالت‌های آن کشور در امور داخلی ایران صورت گرفت. اشغال سفارت به

شدت روابط ایران و آمریکا را تیره کرد و پیامدهای آن تا به امروز ادامه دارد.

روز ۱۳ آبان به عنوان روز مبارزه با استکبار جهانی در ایران گرامی داشته می‌شود و هر ساله مراسم‌هایی به همین مناسبت برگزار می‌شود. این روز به عنوان نمادی از استقلال و مقاومت ایران در برابر قدرت‌های خارجی و استکبار شناخته می‌شود. همچنین، ۱۳ آبان فرصتی است برای یادآوری مبارزات جوانان و نقش آن‌ها در تاریخ معاصر کشور.

۱۳ آبان نه تنها یادآور تاریخ پر از فراز و نشیب ایران است، بلکه به‌عنوان یادآوری از اهمیت آگاهی و فعالیت سیاسی نسل جوان در مقابله با ظلم و استکبار عمل می‌کند. این روز نشان‌دهنده عزم و اراده ملت ایران در پیگیری حقوق خود و حفظ استقلال کشور است.

ابعاد فرهنگی و اجتماعی ۱۳ آبان

رویدادهای ۱۳ آبان نه تنها جنبه‌های سیاسی و تاریخی دارند، بلکه ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز به همراه دارند. این روز به نوعی نماد هویت ملی و وحدت اجتماعی ایرانیان در مبارزه

علیه استکبار و بی‌عدالتی به شمار می‌آید.

نقش آموزش و پرورش

از آنجا که ۱۳ آبان با اعتراضات دانش‌آموزان آغاز شد، آموزش و پرورش در ایران به تبیین این روز و اهمیت آن در تاریخ معاصر پرداخته است. مدارس و دانشگاه‌ها در این روز به برگزاری مراسم و همایش‌ها می‌پردازند که به آگاهی نسل جدید از تاریخ و ارزش‌های ملی کمک می‌کند.

حضور نسل جوان

حضور نسل جوان در مراسم ۱۳ آبان بسیار قابل توجه است. این مراسم به‌عنوان فرصتی برای ابراز عقاید و خواسته‌های جوانان در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی عمل می‌کند. جوانان در این روز می‌توانند صدای خود را در برابر چالش‌های موجود مطرح کنند و بر اهمیت مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌های ملی تأکید نمایند.

تأثیرات بین‌المللی

رویداد ۱۳ آبان همچنین تأثیراتی بر روابط ایران با دیگر کشورها داشته است. این روز به‌عنوان نمادی از مبارزه با سلطه‌گری در

سطح بین‌المللی شناخته می‌شود و به کشورهای دیگر نیز پیامی مبنی بر مقاومت و ایستادگی در برابر قدرت‌های بزرگ ارسال می‌کند. این تأثیرات، به ویژه در دنیای کنونی که بحران‌های جهانی متعددی در حال وقوع است، بیشتر به چشم می‌آید.

۱۳ آبان به‌عنوان یک روز تاریخی و ملی، ابعاد گوناگونی را در خود جای داده است. از جنبه‌های سیاسی و اجتماعی گرفته تا فرهنگی و آموزشی، این روز به نمایندگی از مبارزات ملت ایران در برابر استکبار و نابرابری‌ها است. حفظ این یادآوری و انتقال آن به نسل‌های آینده، می‌تواند به تقویت هویت ملی و احساس مسئولیت اجتماعی کمک کند. با گرامیداشت ۱۳ آبان، ایرانیان نشان می‌دهند که همواره برای حفظ استقلال و حقوق خود ایستادگی خواهند کرد.

چالش‌ها و انتقادات

هرچند ۱۳ آبان به‌عنوان نماد مبارزه با استکبار جهانی مورد توجه قرار می‌گیرد، اما برخی انتقادات نیز به نحوه برگزاری مراسم و برداشت‌های سیاسی از این روز وارد است. برخی معتقدند که این روز نباید فقط به یک رویداد سیاسی محدود شود و باید به مقوله‌های اجتماعی و اقتصادی نیز توجه بیشتری شود.

دولت و جامعه

نقش دولت در برگزاری مراسم ۱۳ آبان و به تصویر کشیدن آن در رسانه‌ها مورد بحث و بررسی است. برخی از افراد بر این باورند که دولت باید به جای تقویت احساسات ضد خارجی، بر روی تقویت همبستگی داخلی و بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی تمرکز کند. این انتقادات به دنبال ایجاد یک فضای گفت‌وگو و همدلی در جامعه است.

پیام‌های روز ۱۳ آبان

پیام‌های این روز فراتر از تنش‌ها و بحران‌های سیاسی است. ۱۳ آبان یادآور این است که:

۱. استقلال و آزادی: مبارزه برای استقلال و آزادی از ارکان اصلی هویت ملی ایران است. این روز به همه یادآوری می‌کند که حفظ این ارزش‌ها نیازمند تلاش مستمر است.

۲. آگاهی و آموزش: اهمیت آگاهی نسل جوان از تاریخ و مسائل معاصر به‌عنوان عاملی کلیدی برای پیشرفت و توسعه کشور. آموزش به جوانان می‌تواند به آنان کمک کند تا با چالش‌های جهانی و داخلی به‌درستی روبرو شوند.

۳. مقابله با استکبار: این روز نمایانگر مقاومت ملت در برابر دخالت‌های خارجی

و تلاش برای حفظ حاکمیت ملی است. این پیام به‌ویژه در شرایط فعلی که بسیاری از کشورها با چالش‌های مشابهی مواجه‌اند، اهمیت بیشتری دارد.

۱۳ آبان نه‌تنها به‌عنوان یک روز تاریخی، بلکه به‌عنوان نماد تلاش‌های مستمر ملت ایران برای حفظ هویت ملی و مبارزه با ظلم و بی‌عدالتی شناخته می‌شود. این روز فرصتی است برای یادآوری تاریخ، تحلیل وضعیت کنونی و برنامه‌ریزی برای آینده‌ای بهتر. با حفظ و تقویت این ارزش‌ها، نسل‌های آینده می‌توانند به سمت توسعه و پیشرفت پایدار حرکت کنند و در عرصه جهانی نقش مؤثری ایفا نمایند.

۱۳ آبان نماد عزت و اراده ملت ایران در برابر چالش‌ها و تهدیدات است و برگزاری هر ساله این روز، می‌تواند به تحکیم روحیه مقاومت و استقلال در جامعه کمک کند.

نقش رسانه‌ها و فضای مجازی

در دنیای امروز، رسانه‌ها و فضای مجازی نقش بسیار مهمی در شکل‌دهی به آگاهی عمومی و نظرات جامعه دارند. در ۱۳ آبان، رسانه‌ها می‌توانند به تبیین ابعاد مختلف این روز و تأثیرات آن بر جامعه بپردازند.

رسانه‌های ملی

رسانه‌های ملی با پوشش گسترده‌ای که از مراسم و برنامه‌های ۱۳ آبان دارند، می‌توانند به انتقال پیام‌های کلیدی این روز کمک کنند. این رسانه‌ها می‌توانند با بررسی تاریخچه و تحلیل‌های کارشناسان، ابعاد مختلف این رویداد را به مخاطبان معرفی کنند.

فضای مجازی

فضای مجازی نیز به یکی از ابزارهای قدرتمند در اطلاع‌رسانی و ایجاد بستر گفت‌وگو تبدیل شده است. جوانان و فعالان می‌توانند از این فضا برای بیان نظرات، ایده‌ها و تحلیل‌های خود استفاده کنند. استفاده از هشتگ‌ها و کمپین‌های آنلاین به جلب توجه بیشتر به ۱۳ آبان و ارتقای آگاهی عمومی کمک می‌کند.

دیپلماسی فرهنگی

در دنیای امروز، دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزاری مؤثر در ارتباطات بین‌المللی مطرح است. ایران می‌تواند از ۱۳ آبان به عنوان فرصتی برای بهبود تصویر خود در سطح جهانی استفاده کند.

مبادلات فرهنگی

برگزاری برنامه‌های فرهنگی، هنری و دانشگاهی در این روز می‌تواند به معرفی فرهنگ و تاریخ ایران به جهانیان کمک کند. این اقدامات می‌توانند به ایجاد روابط مثبت و کاهش تنش‌ها در عرصه بین‌المللی یاری رسانند.

برنامه‌ریزی برای آینده

با توجه به اهمیت ۱۳ آبان، نیاز به برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند برای برگزاری مراسم این روز احساس می‌شود.

تدوین برنامه‌های آموزشی

تدوین برنامه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها می‌تواند به افزایش آگاهی جوانان درباره تاریخ و اهمیت ۱۳ آبان کمک کند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل سمینارها، کارگاه‌های آموزشی و مسابقات فرهنگی باشند.

توسعه برنامه‌های مشارکتی

تشویق به مشارکت جوانان و گروه‌های مختلف اجتماعی در برگزاری مراسم، می‌تواند به ایجاد حس همبستگی و اتحاد ملی کمک کند. این مشارکت می‌تواند شامل برگزاری راهپیمایی‌ها، نمایشگاه‌ها و برنامه‌های فرهنگی باشد.

۱۳ آبان نه تنها یادآور تاریخ و مقاومت ملت ایران است، بلکه فرصتی برای بازنگری و بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو به شمار می‌آید. این روز می‌تواند به تقویت هویت ملی، ارتقاء آگاهی عمومی و ایجاد همبستگی اجتماعی کمک کند. با توجه به تحولات جهانی و نیاز به تعامل سازنده، حفظ و تبیین ارزش‌های این روز می‌تواند به ایجاد آینده‌ای روشن‌تر برای ایران و ایرانیان کمک کند.

در نهایت، ۱۳ آبان نماد اراده و عزم ملت ایران برای ایستادگی در برابر ظلم و دفاع از حقوق خود است و باید به عنوان یک روز تاریخی و فرهنگی در خاطر ملت ایران باقی بماند.

بازرگان علت استعفای خود را دخالت، مزاحمت، مخالفت و اختلاف نظر ها در ادامه مسئولیت اعلام کرد



بازرگان: نجات مملکت و به
نور رساندن انقلاب بدون
وحدت کلمه و وحدت مدیریت
میسر نمی باشد

استعفای دولت بازرگان تقدیم امام شد

کیمهان
صفحه ۱۲
تک شماره ۱۵ ربال
چاپ دوم
مجله ۱۵ آبان ماه ۱۳۵۸ - بازنگری نیمه ۱۳۶۸ - شماره ۱۰۸۹



رئیس
دیوان عالی
کل کشور
و دادستان
را رهبر
منسوب
میکند
نصف ۹ - دوم ۹۰

امام: کوشش
کنید آرامش
محفوظ باشد

ایران قرارداد همکاری با امریکا را لغو کرد

۲ فصل از عهدنامه مودت بین ایران و
و شورای نیز فسخ شده اعلام شد
سفر نظایه های دیگر را منع کرد

۱۶ مهاجم در حمله
به نظامیان پیرانشهر
کشته شدند

یکی از رهبران حزب دموکرات ۱
حزب دموکرات،
امام را رهبر واقعی
ملت میدانند
در عراق می تواند به ایران حمله کند تا با آن کشور
مبارزه مسلحانه خویش را آغاز کند

اولین
گروه
حجاج
به ایران
بازگشتند

چرا لانه جاسوسی تسخیر شد؟

هر واقعه سیاسی دارای دلایل و ابعاد سیاسی مختلفی است. یعنی تسخیر لانه جاسوسی عکس العمل به رفتارهای گذشته حکومت پهلوی و دولت آمریکا بود. به زبان بهتر این رفتار از دانشجویان ریشه در حافظه تاریخی مردم ایران دارد.

۱: شهید شدن دانش آموزان در دانشگاه تهران به دست ارتش شاهنشاهی.

۲: سرگونی دولت مردمی مصدق با کودتاه ۲۸ ام مرداد که توسط سرویس های اطلاعاتی آمریکا و اینگیس انجام شد.

۳: تصویب لایحه کاپتولاسیون و متقابلا تحقیر ایرانیان توسط این قانون و دخالت های مکرر سیاسی آمریکا در ایران.

اصلا تمام مشکلات مون از اون روز شروع شد.

آمریکاه که با ما مشکلی نداشت شما دعوا رو شروع کردید.

اگه الان تحریم هستیم بخاطر اینکه که شما از دیوار سفارت آمریکا رفتید بالا.

اینایه عده جوان احساسی بون نفهمیدن چی کار کردن.

شماهم حتما این حرفهارو شنیدیدن. به نظر من این حرفها یه مشتم حرف پوچ و بی اساس برای تضعیف روحیه انقلابی و استکبار ستیزانه مردم ایرانیه که از طرف سیاسیون و اهل رسانه غربی ها بازگو می شه. خیلی باید حواس جمع و باهوش باشیم تا تو این تله ها نیافتیم.

اما اصل ماجرا مقارن هست با ۲ واقعه دیگر؛ اول تبعید امام به ترکیه و دوم شهید شدن یک دانش آموز در دانشگاه تهران به دست ارتش شاهنشاهی.

هر واقعه سیاسی دارای دلایل و ابعاد سیاسی مختلفی است. یعنی تسخیر لانه جاسوسی عکس العمل به رفتارهای گذشته حکومت پهلوی و دولت آمریکا بود. به زبان بهتر این رفتار از

دانشجویان ریشه در **حافظه تاریخی** مردم ایران دارد.

۱: شهید شدن سه تن از دانش آموزان در دانشگاه تهران به دلیل اعتراض علیه رژیم پهلوی.

۲: سرگونی دولت مردمی مصدق با کودتاه ۲۸ ام مرداد که توسط سرویس های اطلاعاتی آمریکا و اینگلیس انجام شد.

۳: تصویب لایحه کاپتولاسیون و متقابلا تحقیر ایرانیان توسط این قانون و دخالت های مکرر سیاسی آمریکا در ایران.

پس این عمل رفتار نامتعارف یا احساسی از طرف دانشجو ها نبود.

آمریکا ذاتا کشوری **استعمارگر** است و حتی تولد این کشور همچون رژیم نحس صهیونیستی نامشروع می باشد. آنها با غصب زمی ها و کشتار بومیان آمریکا آنجا را به تصرف خود در آوردند.

کشف گورهای دسته جمعی پیدا شده در کانادا گویای تاریخ تلخ این ماجراست.

جدای از این حرف ها این کشور به طور **مستمر** در حال **دخالت سیاسی و نظامی** در دیگر کشورها بوده است.

تقریبا کشوری وجود ندارد

که آمریکا در آن دخالت نظامی و سیاسی و فرهنگی نکرده باشد.

این دخالت ها مخصوص چند سال اخیر و حتی قرن ۲۰ و ۲۱ و نبوده بلکه از بدو پیدایش یعنی قبل تر از جنگ جهانی اول وجود داشته است.

دخالت ها، نخست از آمریکا لاتین مثل نیکاگوروئه دومینیکین و شروع شده و اوج آن پس از جنگ جهانی دوم بوده است مثل دخالت در چین روسیه کره جنوبی کوبا شیلی اروپا ویتنام ونزوئلا ژاپن تایلند لبنان افغانستان عراق ایران هند پاکستان و

آمریکا در تمام کشور های نامبرده یا دخالت مستقیم نظامی داشته است یا به صورت سیاسی دخالت داشته است مثل دخالت در انتخابات یا تغییر دولت، و یا دخالت فرهنگی انجام داده است که مورد آخر برای تمام ملت های کره زمین صادق است.

مثال واضح تر برای دخالت ها آمریکا در کشورهای خارجی ، کشور کوبا است. آمریکا با کودتا در کوبا حکومتی دیکتاتوری را بر سر کار آورد تا منافع دولت آمریکا که شرکت ها و کارخانه های تولید شکر بود را تامین کند.

شخص اول آن حکومت
باتیستا نام داشت.

اما جوانی به نام چه گوآرا
جلوی این حکومت ایستاد
و شروع به مبارزه بر علیه
این حکومت دست نشانده
آمریکایی کرد.

هدف از گفتن این حرفها
فهماندن و درک این موضوع
است که آمریکا ذاتا وحشی
است و در باطن و روح
آمریکا از بدو تولدش خوی
استعمارگری دمیده شده
است.

پس اعتماد داشتن به
کشوری که ذاتا بی اخلاق
و وحشی است کار صحیحی
نیست. این دولت دشمنی
خودش را با مردم ایران ثابت
کرده است. وقتی انقلاب تازه
پا است چرا باید با اعتماد بی
جا از بین برود. آیا عقل سلیم
این موضوع را می پذیرد؟

با افشای اسناد جاسوسی
از سفارت آمریکا دخالت و
جاسوسی این دولت بیشتر از
همه وقت برایمان ثابت شد.

البته که کودتای نوژه به
خودی خود ثابت کننده این
موضوع است.

پس اگر لانه جاسوسی
تسخیر هم نمی شد آمریکا
باز دست از سلطه گری های
خود نمی کشید.

و بخاطر همین دلیل امام از
این واقعه به نام انقلاب دوم
یاد کرد.

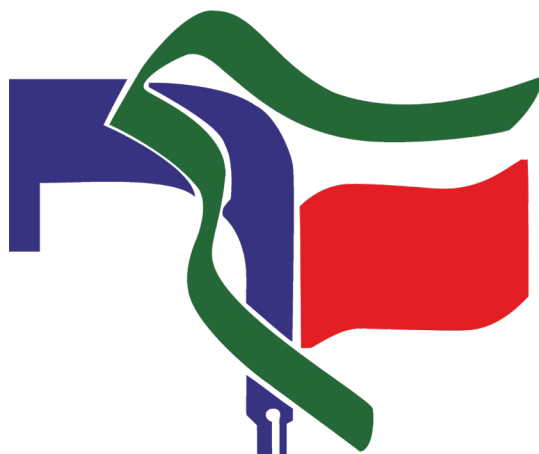
بسیج دانشجویی
دانشگاه
اصفهان
رقیب



کاپیتولاسیون رابطه ارباب ورعیت

رژیم طاغوت پهلوی به خاطر وابستگی‌اش به آمریکا، در مجلس آن روز تصویب کردند که مامورین آمریکائی از دادگاه‌های ایران و امکانات قضائی و امنیتی ایران معافند. این اسمش کاپیتولاسیون است. از نظر خود آمریکائی‌ها، رابطه‌ی بین آمریکا و کشورهای آمریکائی در این کشور دارند؛ نفتش، گازش، منافعش و پولش را بگیرند و ملت را اینجور تحقیر کنند.

بسیج دانشجویی دانشگاه اصفهان



معاونت فرهنگی اجتماعی

نشریه بسیج دانشجویی رقیب

